

نقش والدین در عاقبت به خیری فرزند

رامین فلاحی^۱

سطح ۳ حوزه، کارشناسی ارشد فقه و اصول، حوزه علمیه قم

چکیده

این تحقیق با هدف به بررسی نقش والدین در عاقبت به خیری فرزندان می پردازد. ابتدا کلیات مورد بررسی قرار گرفته نظیر مفهوم شناسی، ضرورت و اهمیت بحث، جایگاه بحث، عاقبت بخیری فرزندان از نگاه امیرالمومنین (ع)، تاریخچه، اهداف تبلیغی تحقیق سوالات اصلی و فرعی مطرح شده است. سپس عوامل موثر بر عاقبت به خیری فرزندان مورد بررسی و در سه بخش تقسیم شده است: عوامل موثر قبل از بارداری و تولد، عوامل موثر هنگام بارداری و عوامل موثر بعد از تولد که هر کدام دارای زیرمجموعه ای می باشند و با تمسک به آیات و روایات مطالب مهم و کلیدی زیادی مطرح شده است. در ادامه، عاقبت بخیری فرزندان از نگاه آیات و روایات و علمای اسلامی نظیر امام خمینی (ره) و دانشمندان غربی بررسی گردید. در پایان تحقیق، راهکارهای والدین برای عاقبت به خیری فرزندان و نیز راهکارهای مهمی از آیات و روایات استخراج شده نظیر ارائه الگو، لقمه حلال، تحکیم و تثبیت عقاید، امید دادن، دعا نمودن، آموزش نماز و قرآن ارائه شدند.

واژگان کلیدی: عاقبت بخیری، تربیت فرزند، حقوق فرزند

^۱ نویسنده مسئول: hadis.falahy@gmail.com

عاقبت بخیری در لغت و اصطلاح

عاقبت در لغت به معنی آخر، پایان و نتیجه کار است و خیر به معنای نیک و پسندیده و در اصطلاح به هر چیزی یا امری اطلاق می شود که برای انسان سود محض یا سود بیشتری را برساند. از این رو امری که دارای منفعت و سود باشد را خیر گویند و کسی که خیرخواه است می کوشد تا به چیزی دست یابد که او را در مسیر کمال یاری رساند و در زندگی مادی و معنوی برایش سودمند باشد. به تعبیر دیگر عاقبت به خیری یعنی: آنکه پایان کار یا زندگی او نجویی انجامد. آنکه عاقبت حال یا کار او به خیر ختم شود.

جایگاه بحث

اهمیت و جایگاه عاقبت بخیری

آیات متعددی از قرآن بر این امر تاکید دارد که ای مردم تلاش کنید مسلمانان و عاقبت به خیر از دنیا بروید که به نمونه های اشاره می شود: در مورد وصیت خداوند؛ خداوند متعال و مومنان را اینگونه توصیه می کند: (یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! آنگونه که حق تقوا و پرهیزگاری است تقوای الهی داشته باشید و از دنیا نروید. مگر اینکه مسلمان باشید)) و همچنین در مورد وصیت ابراهیم به فرزندان چنین می فرماید؛ (و وصی بها ابراهیم بنیه و یعقوب یا بنی ان الله اصطفی لکم الدین فلا تموتن الا و انتم مسلمون))؛ و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر) فرزندان خود را به این آیین، وصیت کردند (و هر کدام به فرزندان خود گفتند) فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده و شما جز به آیین اسلام (تسلیم در برابر وصال خدا) از دنیا نروید. علاوه بر آیات متعدد الهی، در روایات زیادی به این مسئله اشاره شده آنجایی که امام علی (ع) می فرماید؛ ((مکروه محمد عاقبت خیر من محبوب ترم معبته))؛ ناپسندیده ای که سرانجامش پسندیده باشد، بهتر از پسندیده ای است که پایانش ناپسند باشد.

جایگاه و ارزش فرزند

اولا که چه دختر و چه پسر از بزرگترین و با منفعت ترین نعمت های است که حضرت حق به بندگان مومنش عنایت می کند. ابراهیم (ع) فرزند نداشت از این بابت اندوهگین بود، خداوند مهربان به عبد شایسته اش در ایام کهولت اسماعیل و اسحاق را مرحمت کرد. اسحاق ریشه انبیاء الهی تا زمان مسیح، و اسماعیل ریشه خاتم الانبیاء و امامان معصوم و هزاران حکیم و عارف و فقیه است. فرزند نعمت فوق العاده ای است، منبع خیر است منبع کرامت و سود دنیا و آخرت برای انسان است، البته انسانی که مومن به حق است، و به خاطر ایمانش فرزندان خود را مومن و صالح و شایسته تربیت میکند. ابراهیم به خاطر فرزند دار شدن به حمد کامل حق برخاست، که فرزند دار شدن به راستی اقتضای حمد میکند، حمدی که بازبان و قلب و اعضاء و جوارح تحقق پیدا میکند. ((الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر اسماعیل و اسحاق ان ربی لسمیع الدعاء؛ خداوند را سپاس که در زمان پیری به من اسماعیل و اسحاق را بخشید همانا پروردگار من شنوای دعای بندگان است))

از آیه شریفه استفاده می شود که انقدر فرزند جایگاه مهمی در زندگی دارد، که ابراهیم به وقت پیری از حضرت حق در خواست فرزند کرد و دعایش مستجاب شد. زکریا به هنگام پیری در محراب عبادت از حضرت حق درخواست فرزند کرد؛ ((فهب لی من لدنک ولیا یرثنی و یرث من آل یعقوب؛ مرا از جانب خود جانشینی صالح عطا فرما که از من و آل یعقوب ارث ببرد.))

اسحاق بن عمار از امام ششم روایت میکند: شخصی گفت در داشتن فرزند بی رغبت بودم تا توفیق و قوف در عرفات نصیب شد، در کنارم نوجوانی را دیدم دعا می کرد و اشک میریخت و می گفت: (یارب والدی والدی فرغنی فی الولد حین سمعت ذلک؛ خداوندا پدر و مادرم، پدر و مادرم باشنیدن دعای او شوق پیدا کردن فرزند در من پیدا شد))

پدر و مادران از دنیا رفته، از عبادت و مناجات و کار خیر فرزندشان در صورتی که اهل ایمان بودند بهره کامل می برند. از رسول گرامی اسلام حضرت محمد (ص) روایت شده؛ خمسه فی قبورهم و ثوابهم بحری الی دیوانهم: من غرس نخلا، و من حضر بئرا، و من بنی لله مسجدا، و من کتب مصحفا، و من خلف ابنا صالحا؛ پنج نفر از دنیا رفته اند، ولی پرونده آنان بسته نشده، دائم به آنان ثواب می رسد: کسی که درختی کاشته، چاه ابی بهره برداری مردم حفر کرده مسجدی ساخته قرانی نوشته فرزند شایسته ای از او به جا مانده. امام صادق (ع) می فرماید: وقتی یوسف برادر مادری خود را دید به او گفت چگونه بعد از من زمینه ازدواجت را فراهم کردی؟ گفت: پدرم یعقوب مرا امر کرد و گفت ((ان استطعت ان یکون لک ذریه تثقل الارض بالتسییح فافعل؛ اگر بتوانی فرزندان بیآوری که زمین حق را به تسییح و ثنای خود نسبت به پروردگار سنگین کنند این کار را انجام بده. چقدر نعمت وجود فرزند با ارزش است که در قرآن مجید آمده؛ ((والله جعل کلم من انفسکم ازواجا وجعل کلم من ازواجکم نبین و حفده و رزقکم من الطیبات؛ خداوند از گوهر وجود شما همسرانتان را قرار داد و از همسرانتان فرزند و نوه و داماد نصیب شما نمود، و روزی شما را از پاکیزه ها قرار داد))

سود فرزند داشتن تا کجاست که امیر المومنین علی (ع) فرمود: (فی المرض یصیب الصبی انه کفاره لوالدیه؛ بیماری فرزند کفاره کناهان پدر و مادر اوست. عشق به اولاد: امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) روایت میکند ((احبوا الصبیان و ارحموهم؛ فرزندان را دوست بدارید و به آنان رحمت اورید))

بعضی از مردم علاقه چندانی به کودک خود نشان نمی دهند، یا اگر علاقه دارند اظهار نمیکنند و در رفتار با آنان خشن و تند و سخت گیرند، اینان بدانند که با این روش که روشی غیر انسانی و اسلامی است خود را از رحمت حق محروم میکنند. امام صادق فرمود: ((ان لله لیرحم العبد لسسده حبه لولده؛ همانا خداوند به بنده اش محض شدت عشقش به فرزندانشان رحم می کند)) امام موسی بن جعفر (ع) میفرماید: ((... ان الله عزوجل لیس یغضب لشیء کغضبه للنساء الصبیان؛ خداوند بزرگ به چیزی مانند خشمش به نفع زنان و کودکان خشم نمیگیرد)) حضرت موسی در کوه طور به حضرت حق عرضه داشت: ای الاعمال افضل عندک قال حب الاطفال؛ خداوندا چه عملی در نزد تو برترین عمل است؟ خداوند فرمود: دوست داشتن اطفال))

ضرورت بحث

والدین و تربیت دینی فرزندان در سیره تربیتی معصومان :

مراجعه اجمالی به سیره معصومان (ع) نشان می دهد که خود آنان در تربیت دینی فرزندان خود اهمیت می دادند و یاران و پیروان خود را نیز به این امر سفارش می کردند. یکی از اصحاب پیامبر (ص) نقل میکند:

((من با گروهی از طایفه خود که همگی در سن جوانی بودیم، نزد پیامبر (ص) رفتیم و بیست روز نزد ایشان ماندیم. پیامبر (ص) مهربان و دلسوز بود. زمانی که اشتیاق ما به خانواده هایمان را دید فرمود: به سوی خانواده خود برگردید، در میان آنان بمانید، آنان را امر [به نماز و سایر دستورات دینی] کنید؛ به آنان آموزش دهید و چنان که دیدید من نماز میخوانم نماز بخوانید))

این شیوه به روشنی بیان میکند که پیامبر (ص) تربیت دینی فرزندان و حتی همراه را وظیفه پدر می داند و براین امر نیز تاکید دارد. در روایت دیگری از امام صادق (ع) نقل شده است که ایشان فرمود: ((پدرم ما را [قبل از طلوع خورشید] جمع میکرد و

دستور می داد تا طلوع خورشید ذکر خدا بگوییم و به هر کدام از ما که قرائت قرآن می دانست دستور قرائت قرآن می داد.)) این سیره نیز بیانگر این است که معصومان(ع) به عنوان پدر به ترتیب دینی فرزندان خود اهتمام داشتند. در رساله حقوق امام زین العابدین(ع) نیز نیکو ادب کردن فرزندان، راهنمایی او به سوی خداوند عزیز و جلیل، ویاری او بر اطاعت خداوند)) از حقوق فرزندان بر پدران شمرده شده است. از مجموع آنچه گفتیم به دست می آید که از نظر معصومان(ع) پدر مسئول تربیت فرزندان است. البته در اینجا ذکر این مطلب لازم است که این سیره معصومان(ع) ریشه در قرآن کریم دارد؛ خداوند متعال در قرآن به والدین امر کرده است تا به تربیت دینی فرزندان خود اهتمام ورزند. در دو آیه به صراحت این موضوع بیان شده است: نخست در آیه ۶۱: «یا ایها الذین ءامنوا انفسکم و اهلیکم مارا و قودها الناس و الحجاره...؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خود را از آشتی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است نگاه دارید)) با توجه به اینکه نگاه داشت خود و خانواده از آتش دوزخ خبر از راه عمل به دستورهای خداوند متعال حاصل نمی شود و از سوی دیگر عمل به دستورهای خداوند نیز متوقف بر تربیت دینی صحیح است، این آیه دلالت دارد بر اینکه خداوند متعال والدین را مسئول تربیت دینی فرزندان می داند. روایاتی که در ذیل این آیه نقل شده است نیز همگی بیانگر این موضوع است. به عنوان مثال در روایتی آمده است؛ ((زمانی که این آیه [آیه ۴ سوره تحریم] نازل شد، یکی از مسلمانان نشست و مشغول گریه شد و می گفت: من از دست خودم عاجز بودم، اکنون مسئول خانواده خود نیز شدم در این هنگام پیامبر (ص) به ایشان فرمود: همین که آنان را با آنچه خود را به آن امر میکنی، امر کنی و از آنچه خود را از آن نهی میکنی، نهی کنی [برای انجام مسئولیتت] کفایت میکند.

دوم در آیه ۱۳۲ سوره طاهها نیز خداوند متعال به پیامبر می فرماید: ((و امر اهلک بالصلاه و اصطر علیها...؛ و به خانواده خود را به نماز امر کن و بران شکبیا باش)) در تفسیر نورالثقلین در ذیل این آیه از امام رضا روایت شده است که ایشان فرمودند: این از ویژگی ما اهل بیت است که علاوه بر اینکه خداوند ما را همراه با مردم امر به نماز کرد به صورت جداگانه نیز ما را به این کار مامور کرد. پیامبر(ص) بعد از نزول این آیه نه ماه هر روز هنگام اوقات نماز بر در خانه علی و فاطمه می ایستادند و میفرمودند: نماز! خداوند شما را مشمول رحمت خود کند. این آیه با توجه به روایتی که از امام رضا(ع) نقل شده است، قطع نظر از اختلافی که در معنای اهل بیت و زمان نزول آن وجود دارد، به روشنی بر این امر دلالت دارد که پیامبر(ص) به عنوان مسئول خانواده موظف شده بود خانواد خود را به نماز امر کند و ایشان نیز این دستور را انجام می داد.

تربیت پذیر بودن فرزندان و ضرورت تربیت از دیدگاه امام علی(ع)

از دیدگاه حضرت علی(ع) فرزندان انسان تربیت پذیرند و اگر پدر و مادر از شیوه ها و اصول تربیتی آگاه باشند از این ویژگی و تربیت پذیر بودن انسان به خوبی بهره میبرد و فرزندان خویش را در رسیدن به بالاترین درجه های علمی و معنوی یاری می رسانند. آن حضرت بر اساس اصل ((تربیت پذیر بودن انسان)) یکی از حقوق فرزندان بر پدر را تربیت شایسته فرزند می دادند و می فرماید: ((حق الولد ان یحسن ادبه و یعلمه القران؛ حق فرزند بر پدرش این است که نام نیکو برای او برگزیند و به خوبی ادب و تربیتش کند و به وی قرآن بیاموزد.))

آن حضرت در کلامی دیگر فرموده است: ((ما نحن الوالدولدا نحلا افضل من ادب حسن؛ هیچ پدری به فرزندش موهبتی مانند تربیت نیکو بخشیده است.)) آن حضرت در سخنی در این باره به فرزندش امام حسین میفرماید: ((فبادرتک بالادب قبل ان یقسو قلبک و یشغل لبک؛ پیش از آنکه، قلب تو دچار قساوت و اندیشه ات سرگرم(امور بیهوده) شود، به تربیت تو پرداختم.))

تاریخچه موضوع

تربیت فرزند از نظر اسلام (آیت الله مظاهری) - اسلام و تعلیم و تربیت (آیت الله امینی) - نظام خانواده در اسلام (حسین انصاریان) - حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (ع) (محمد جواد طبسی) - تربیت کودک با عشق و منطق (جیم فی و فوستوکلاین/ ترجمه سمیه موحدی فرد) - فرهنگ تربیت (عباس اسماعیل یزدی) اصول و روش های تربیت در اسلام (سیداحمد احمدی) - پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان (علی قائمی) - سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، ج ۱ تربیت فرزند (سید علی حسین زاده) - آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (علیرضا اعرافی) و.....

اهداف تبلیغی تحقیق

۱. بیان معارف ناب پیامبر و خاندان پاک آن حضرت.
 ۲. معرفی الگوهای اسلامی، شیعی در مقابل الگوهای غربی، شرقی.
 ۳. امید دادن به خانواده ها در قبال آینده فرزندشان.
 ۴. تذکر دادن به خانواده ها در قبال مسئولیتشان.
 ۵. آموزش درست و کاربردی خانواده ها در مورد تربیت اسلامی.
 ۶. ایجاد محیطی بانشاط در میان اعضاء خانواده
 ۷. جلوگیری از انحراف جوانان و هدایت به صراط مستقیم.
- طبیعتا هنگامی که معارف ناب پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در جامعه بیان شود به طریق مختلف خود در بر گیرنده اثرات و تاثیرات مثبت فراوانی است که خود یک تحقیق مجزا را می طلبد مواردی که در بالا ذکر شد تنها از باب نمونه می باشد و بدین معنا نیست که فقط فقط اهداف این موارد می باشد.

عوامل موثر در عاقبت به خیری فرزندان

اگر نگاهی دقیق به آیات الهی و روایات معصومین (ع) داشته باشیم به این نتیجه میرسیم که وظیفه والدین درباره تربیت فرزند خویش محدود به زمان کودکی و نوجوانی نمی شود و این نوع تربیت از نگاه معصومین (ع) تربیتی ناقص معرفی شده و آن تربیتی کامل است و عاقبت به خیری فرزند را به دنبال دارد که قبل از بارداری و تولد، حین بارداری و بعد از تولد را در نظر داشته باشد به همین خاطر با تمسک به آیات و روایات عوامل موثر در عاقبت به خیری فرزندان را به سه دوره تقسیم نموده ایم:

الف - عوامل موثر قبل از بارداری و تولد.

ب - عوامل موثر هنگام بارداری .

ج - عوامل موثر بعد از تولد.

الف - عوامل موثر قبل از بارداری و تولد.

مراقبت های زناشویی

اسلام با ظرافت و دقت خاصی نسبت به مرحله قبل از انعقاد نطفه توجه نشان داده و رهنمودهای دقیقی در خصوص تغذیه زن و شوهر قبل از آمیزش، زمان و مکان آمیزش، سخن گفتن، نگاه کردن و حتی نیت، خیالات و حالات روحی زن و مرد در این هنگام ارائه داده است. گفتن بسم الله الرحمن الرحیم، داشتن نیت پاک و الهی از جمله دستوراتی است که در این باره به آنها سفارش شده. در حدیثی از پیامبر (ص) نقل شده: «(لاتجامع امراتک فی اول السهر و وسطه و اخره فان الجنون والجزام والخبل

یسرع الیها والی ولدها؛ در اول وسط و اخر ماه با همسر خود آمیزش نکن زیرا دیوانگی جزام و نقص عضو عارض وی و فرزندش خواهد شد)) و نیز فرمودند: ((لاتجامع امراتک شبهوءامراء غیرک؛ با همسر خود با خیال شهوت زن دیگری نزدیکی نکن)) و در جای دیگر از نزدیکی بدون وضو با زن حامله نهی فرمود است چرا که ممکن است فرزند حاصله سنگدل و خسیس گردد. از نظر علمی نیز دخالت نشاط یا خمودگی زن و مرد در هنگام آمیزش، حالات روحی ایشان، محیطی که عمل آمیزش در آن صورت میگیرد (از نظر نور، رنگ ها، مناظروصداهای موجود در آن) در تشکیل نطفه مورد تایید قرار گرفته است.

بهداشت آمیزش

از نظر اسلام ازدواج و تشکیل خانواده اهمیت زیادی دارد، که این خود از مهم ترین عوامل بهداشت روانی فرد و جامعه میباشد، که در این زمینه کتابهای زیادی نوشته شده است و احادیث زیادی در این باره وارد شده است.

مساله آمیزش از نظر روحی و روانی قابل اهمیت است و نیاز به آگاهی و دقت بیشتری دارد. اکثر همسران جوان، اطلاعات کافی و لازم را در این زمینه ندارند و حیا و شرم مانع از سوال کردن میشود. بسیاری از اختلافات و مشکلات روحی و روانی که برای همسران جوان بوجود می آید ریشه اش عدم آگاهی آنها نسبت به مسائل زناشویی می باشد. اسلام به زن و شوهر سفارش می کند تا پس از عمل آمیزش هر دو با یک دستمال خود را تمیز نکنند. بلکه هر کدام دسمال جداگانه برای تمیز کردن داشته باشند. علت این سفارش وجود میکرب های متعدد در آلات تناسلی طرفین و خصوصا داخل آلت زن است.

انجام عمل نزدیکی از طریق عقب زن مکروه است تازه عروسان و بانوان به هیچ وجه حاضر نشوند که همسر آنها به غیر از مجرای طبیعی و عادی عملی انجام دهد. اولاً ناراحتی غیر قابل تحملی در بر دارد، در ثانی رنگ را زرد و صورت را پژمرده و در پیروی، چشم را به نابینایی مبتلا میکند و شهوت در غیر محل هدر رفته وزن را به مرض بواسیر مبتلا مینماید و زن از دفع غریزه جنسی لذت نمیبرد. منی در عقب و داخل رکتان به صورت جانوران ریزی در می آید و دور حلقه رکتان را بسیار ناراحت نموده و ایجاد مرض های رکتالی می نماید. ولی برعکس غده های داخل موضع زن که در جلوی کیسه بچه دان واقع شده واز اواخر سنین ده سالگی در دوشیزه گان مدام مستعد و آماده برای قبول منی می باشد و غذای غده های داخلی موضع منی می باشد؛ لذا لازم است زنان در موقع پاکي یا ناپاکی یا آبستنی یا هر زمان دیگر به مردان اجازه ندهند غیر از مجرای تناسلی از طریق دیگری شهوت خود را دفع کنند.

پزشکان دستور میدهند پس از هر مقاربتی زن و شوهر آلت های خود را با آب بشویند و بهتر آن است که با آب گرم و صابون بشویند و اگر خدای ناخواسته شوهر از راه عقب با زن دخول کرد تا آلت خود را با آب و صابون نشوید در شروگاه زن دخول نکند، زیرا میکروب های روده وارد دستگاه تناسلی زن میشود و او را بیمار میسازد. اسلام که دستور میدهد زن و مرد بعد از هر مقاربتی هر چه زود تر غسل کنند و با حال جنابت باقی نمانند برای رعایت همین بهداشت است.

رعایت این بهداشت مرد را از امراضی مانند: سیفلیس، سوزاک و شانکروزن را از بیماری های مانند: آماس خارس مبهل و ورم بظر مصون می دارد. سوزاک نوعی بیماری واگیری است که از طریق مقاربت سرایت می کند و میکرب آن مرسوم به "گونوک" است. عوارض آن عبارت است از: پیدا شدن چروک و سوزش در مجرای ادرار که مدت سه تا چهار هفته ادامه می یابد. اگر معالجه نشود عوارض دیگری از قبیل: مسدود شدن مجرای بول، ورم بیضه، ورم مثانه، ورم کیه تولید می نماید و ممکن است انسان را از تولید مثل محروم کند. و در زنان عوارض اولیه یعنی درد و سوزش، چندان شدت ندارد، اما در صورت سرایت چرک به جهاز تناسلی آنان عوارض خطرناکی مانند ورم های رحم تولید میشود، به طوری که مانع ابستنی و یا باعث سقط جنین خواهد بود و اگر چرک سوزاک به چشم برسد چشم را کور می نماید.

بیماری های دیگر مقاربتی نیز دارای چنین عواقبی با چرک و خون همراه هستند همه میدانیم تازمانی که مسلمانان به همین دستورات ساده ی دینی خود عمل می کردند از امراضی مانند سوزاک، سیفیلین، شانکر و ایدز مصون بودند و این امراض برای

کسانی بود که به غسل جنابت اعتقاد نداشتند و ساعت ها بلکه روزهای متمادی بآلت آلوده به سر میبردند. از زمانی که مسلمین به اروپا رفتند و با بیگانگان آشنا شدند و دستورات دینی خود را فراموش کردند، اینگونه امراض هم در میان آنان پیدا شد.

تغذیه جسمی مادر

در این که دوران حمل برای هر زنی ناراحت کننده و کسالت آور است شکی نیست، مادرانی که رنج این دوران را چشیده اند و ناراحتی آن را دیده اند، اگر به خاطر عشق فرزند نبوده، از حامله شدن دوباره می گریختند، چه در دوران دستگاه های مختلف بدن زن به فعالیت عجیبی می افتد. بعضی از غدد مترشحه داخلی ترشحات فراوان تر دارند و سوخت و ساز بدن بیشتر و سریع تر می شود. ولی اغلب به علت بی میلی های ظاهری یا تنوع های بی جا، زن باردار نمی تواند غذا بخورد، و خود را سالم نگهدارد. عده ای از خانم ها نیز برای حفظ سلامت خود و جلوگیری از چاقی یا بزرگ شدن جنین در شکمشان رژیم های مخصوص و سخت می گیرند و سعی می کنند در این دوران خود را از اغلب غذاهای لازم محروم سازند تا حتی الامکان وزنشان زیاد نشود و یا نوزاد خیلی رشد نکند، که پوست شکم آن ها خراب شود و چین بخورد، یا موقع حمل ناراحتی ها را دوچندان سازد. غافل از اینکه زن حامله باید در نظر بگیرد که از ابتدای حاملگی دیگر یک نفر نیست بلکه دو نفر است و در تمام دوران حمل لازم است رژیمی داشته باشد که سلامتی خود و فرزندش را تامین کند نه این که از خودش پس از خاتمه حاملگی رگ و پوستی مانده باشد و نوزادش نیز به علت بی غذایی ضعیف و ناتوان به نیا آید.

کودک در رحم برای تشکیلات مختلف وجود خود احتیاج به مواد آهنی و آهنی دارد و برابر یک مثل مشهور عقیده دارند که نوزاد خود را از آهن و کلسیم می سازد. آهن برای ساختمان خون نوزاد مورد نیاز است و بدون آن هموگلوبین که هسته اولیه گلبولهای خون است ساخته نخواهد شد و نوزاد مجبور است از آهن ذخیره مادر مصرف کند لذا مادر به تدریج کم خون می شود و بدون تردید نوزاد نیز پس از ولادت کم خون خواهد بود.

برای اینکه مادر خوب بتواند آهن مورد نیاز خود و نوزادش را تامین کند باید روزانه مقدار لازم حبوبات مثل لوبیا باقلا عدس و سایر اغذیه آهن دار مثل جگر سیاه گوشت و بلاخره میوه های آهن دار مثل سیب انگور خرما و امثال آن ها را مصرف کند. مواد آهنی اولین سنگ بنای ساختمان بدن نوزاد هستند چه نوزاد برای تشکیلات استخوانی خود در دوران زندگی داخل رحم لااقل به ۴۰-۵۰ گرم مواد آهنی نیازمند است و مادر باید این مقدار کلسیم را به تدریج همراه غذای روزانه بخورد تا به مصرف استخوان بندی جنین برسد، در غیر این صورت جنینی که برای تشکیلات خود احتیاج به مواد آهنی دارد سعی می کند از کلسیم موجود در بدن مادر استفاده کند، لذا مادر به تدریج استخوان هایش سست می شود، دندان هایش کرم خورده می گردد موهای سرش می ریزد و روز به روز به طرف ضعف و ناتوانی می رود. مواد آهنی را به صورت لبنیات و اقسام مختلف آن مثل شیر پنیر و ماست و سرشیر و یا حبوبات مثل گندم و جو یا میوه ها مانند گلابی و سیب و امثال آن ها می توان به مادر خوراند و از این راه به تغذیه جنین و رشد او کمک کرد. اسلام عزیز جهت حفظ سلامت مادر در دوران بارداری و رشد جنین از جهت جسم و عقل و زیبا از کار درآمدن کودک در رحم دستورات خاص دیگری در تغذیه مادر و تغذیه طفل پس از ولادت دارد که آن ها را در کتب مربوطه مطالعه کنید

تغذیه روحی مادر

مادر در ایام حمل، اگر از ذکر خدا شرکت در مجالس الهی، خواندن قرآن، توجه به واجبات حفظ آرامش غفلت نوزاد، در درمان و مغز کودک و رشد روحی و معنوی او اثر بسزائی دارد. خود بارداری در آمین الهی نوعی عبادت و ثوابی عظیم بر آن مترتب است. رسول خدا (ص) فرمود؛ ((بلی اذا حملت المراه کانت بمرتله الصائم القائم المجاهد بنفسه و ماله فی سبیل الله...))؛ آری وقتی زنی حامله می شود به منزله انسان روزه دار شب بیداری برای عبادت و مجاهد به جان و مال در راه خدا است.))

البته زن و مرد با رضایت یک دیگر می توانند خود را از بچه دار شدن معاف کنند، ولی با این کار تجارت بسیار پرسودی را از دست خواهند داد. و در مسئله بچه دار شدن هم نباید بی قید و شرط زیست بلکه لازم است. توان و تحمل روحی و بدنی و حوصله و استقامت خود را نسبت به تربیت اولاد و توجه به او و به عهده گرفتن مخارشات ملاحظه کرد، مبدا تعداد اولاد به اندازه ای شود که پدر و مادر از عهده رعایت آن ها برنیایند، و خدای نخواستہ افرادی بار آیند، که مردم از دست آنان بر پدر و مادر شان نفرین کنند.

۱- عوامل موثر بعد از تولد

وضع حمل؛

لحظات ولادت طفل گرچه برای مادر در درجه اول و سپس پدر و در مرحله بعد برای اطرافیان بسیار شیرین است، ولی از سخت ترین لحظات عمر زن به حساب می آید، چه آنکه درد شدید ورنج سنگین، و مشقت فوق العاده ای را باید برای به زمین گذاردن طفل تحمل کند.

این تحمل برای او عبادتی بزرگ و اجر و ثوابش به فرموده معصومین (ع) بسیار سنگین است.

رسول خدا (ص) فرمود؛

((فاذا وضعت کان لها من الاجر مالا تدری ما هو لعظمه؛ زمانی که حمل خود را به دنیا آورد برای او اجری است که عظمت و بزرگی قابل درک نیست!))

و همچنین امام صادق (ع) فرمود؛

((النفساء تبعث من قبرها بغير حساب لانها ماتت فی غم نفاسها؛ زنی که به وقت وضع حمل از دنیا برود، برای او در قیامت هیچ حسابی نیست زیرا در غم به دنیا آوردن فرزند از دنیا رفته!))

رسول خدا (ص) فرمود؛

به محض فارغ شدن زن به او خرما بدهید که خداوند به مریم کبری (س) به وقت وضع حمل دستور داد خرما بخورد، هفت عدد خرما از خرمای مدینه اگر بخورد از خرمای شهر خودتان که خدا فرموده: به عزت و جلال و عظمت و رفعت، اگر زن روز زائیدن طفل خرما بخورد در صورتی که فرزندش پسر باشد بردبار و در صورتی که دختر باشد نیز بردبار خواهد شد.

۲- لباس نوزاد

زمانی که حضرت مجتبی (ع) به دنیا آمد رسول حق (ص) به دست اندر کاران امور خانه فرمود او را در لباس سپید بپوشانید، بر اثر بی توجهی کودک را در لباس زرد پوشانند و به دست پیامبر بزرگوار دادند،

حضرت او را گرفت و بوسید و زبان در دهانش گذاشت و لب او را مکید سپس فرمود، به شما نگفتم او را در لباس سپید بپوشانید؟ آنگاه لباس سپید خواست و عزیزش را با آن پوشاند، و لباس زرد را به کناری انداخت، سپس به گوش راستش اذان و به گوش چپش اقامه گفت و او را حسن نامید، و همین برنامه ها را در ولادت حضرت حسین (ع) بکار گرفت.

۳- اولین غذای نوزاد

کلینی بزرگوار صاحب کتاب شریف کافی در روایتی نقل می کند:

((حنکوا اولادکم بهاء الفرات و تبره قبر الحسین، فإلم یکن فبهاء السماء؛

کام کودک خود را به آب فرات و تربت قبر حسین (ع) بردارید، اگر نبود با آب آسمان کامش را بردارید.))

۴- اذان و اقامه

می گویند اولین عضوی که از نوزاد کار خود را شروع می کند گوش اوست، قرآن برای گوش جایگاه ویژه ای قائل شده. گوش در همان لحظات اول ولادت می شنود. و مغز شنیده او را می گیرد و در خود حفظ می کند.

صدا در مشاعر طفل اثر می‌گذارد، فانه باید از صدای ناباب و حرام و آلوده پاک باشد، وگرنه کودک را از نظر فکری و روانی آلوده می‌کند. سیده رسول خدا(ص) و امامان معصوم(ع) اذان گفتن و اقامه در لحظات اول تولد، در گوش راست و چپ نوزاد بود. آوای توحید، نبوت، امامت، و زمره شتاب به سوی فلاح، و نماز باید گوش کودک را نوازش بدهد، تازندگی و حیات را با این واقعیات شروع و با آن‌ها ختم کند، مسلمان به دنیا وارد گردد و مسلمان از دنیا برود؛ نگوئید یک روزه است، نمی‌فهمد، نمی‌بیند، شعورش نمی‌رسد و قدرت گیرندگی ندارد، که همه این‌ها را به صورتی نو، فعال، قوی پر قدرت دارا می‌باشد. استاد انصاریان به نقل از استادش علامه طباطبایی می‌گوید؛ دختری بیست و سه ساله، اصل آمریکا دچار بیماری مغزی شد، او را عمل کردند اوائل بهوش آمدن زمزمه وار سرودی مذهبی ولی با لهجه فرانسوی از او شنیده شد. پدر و مادرش او غرق تعجب شدند، طبیب علت تعجب را پرسید گفتند دختر ما یک کلمه فرانسه بلد نیست، کتاب به زمان فرانسه ندارد، دوست فرانسوی در زندگی او نیست، که ناگهان مادر آن دختر معما را حل کرد. دخترم سه ماهه بود تعدادی از فراریان فرانسوی جنگ دوم جهانی به آمریکا آمدند، در میان آنان خانمی بود دارای شغل پرستاری و متعصب در آئین کلیسا، در همسایگی ما منزل گرفت، گاهی به خانه ما می‌آمد، کودک را در آغوش می‌کشید و برای آرام کردن او از گریه برایش زمزمه میکرد. معلوم بود آن چه را زمزمه می‌کند، رنگ مذهبی دارد از آن روز نقش این سرود در مغز بچه ماند، در ۲۳ سالگی به وقت بهوش آمدن نقش سرود از مغز به زبان آمد و بدون اختیار بر زبان جاری شد! پس اذان و اقامه در لحظات اول تولد، و تلقین در دقائق اول مرگ بی اثر نیست که گوش اولین عضوی است که بکار می‌افتد و آخرین عضوی است که از کار می‌افتد.

آداب هنگام ولادت کودک: معصوم(ع) به نقل صاحب مکارم الاخلاق فرمود: هفت خصلت به وقت ولادت کودک سنت است: مقدم ترین آن‌ها نامگذاری است، تراشیدن سر، صدقه دادن به وزن موی تراشیده شده، عقیده، آغشته کردن سر کودک به زعفران، پاک نمودن او به ختنه، خوراندن عقیده به همسایگان. امام صادق(ع) عقیده کردن را مستحب بسیار موکد دانسته تا جایی که نسبت به آن لفظ واجب را استعمال کرده است. ((العقیقه واجب)) از حضرت موسی بن جعفر(ع) در رابطه با ختنه سؤال شد فرمودند: ختنه در روز هفتم ولادت کودک از سنت است.

۵- شیر مادر

شیر دادن مادر به طفله مدت دو سال مسئله ای است که در کتاب خدا قرآن مجید مطرح است.
((وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِيَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلِدًا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدٌ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِضَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲۳۳))

((وَفِضَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ (۱۴))

آری، روزی کودک در سینه مادر است و مادر به خاطر جهات شخصی یا خیالات خام یا حفظ بعضی از امور جسمی حق ندارد طفل را از روزی خدا داده محروم کند، و او را به شیر خشک و به شیر حیوان و اموری از این قبیل حواله دهد. رسول خدا(ص) با کثرت کار توجهی مخصوص به وضع فرزندان داشت به خانه فاطمه زهرا(س) می‌آمد، انگشت سبابه به دهن حسین می‌گذاشت با مکیدن او اشتهای او را امتحان می‌کرد تا اگر اشتهای صادق است مادر به او شیر بدهد، اگر کاذب است محض گریه و ناآرامی برای ساکت کردن طفل به او شیر ندهد زیرا شیر روی شیر بیماری تخمه می‌آورد، و دستگاه گوارش کودک را تنبل و در نتیجه در تمام وجود طفل اثر منفی می‌گذارد، و او را خمود سست و ضعیف بار می‌آورد.

رسول خدا(ص) فرمود؛ ((لیس للصبی لبن خیر من لبن امه، برای کودک شیری بهتر از شیر مادر نیست))

این جمله قرن ها قبل از رسول گرامی اسلام صادر شده، حقیقتی است که دانشمندان بزرگ تازه به آن پی برده اند در تحقیقات دانشمندان غرب، غربی که اکثر خانوادهاش کودک خود را به شیر خوارگان می سپارند، تابا شیر مصنوعی بزرگ شود. آمده: که شیر و غذایی برای کودک بهتر و سودمند تر از شیر مادر نیست.

اگر مادر شیر نداشته باشد که کم اتفاق می افتد روایات تاکید فراوان دارند، در انتخاب دایه کمال دقت را به خرج دهید که شیر در جسم و جان و فکر کودک، فوق العاده موثر است. در روایات آمده که از انتخاب دایه بد کاره، روانی، احمق، کم دید، یهودیه، نصرانیه، جحوسیه و مشروبخوار پرهیزید، که وضع اینان از طریق شیر به کودک منتقل می شود. اما نکته بسیار مهم در مسئله شیر دادن ثواب آن است که انسان را شگفت زده می کند. رسول خدا(ص) در پاسخ سخن ام سلمه که گفت مردان تمام خیر را می برند، زنان بیچاره چه کنند؟ فرمود: ایام حاملگی ثوابش روزه و عبادت شبانه، و جهاد با مال و جان در راه خدا است، زائیدن به اندازه ای بهره الهی دارد که احدی را قدرت آگاهی بر آن نیست اما شیر دادن: به هر مرتبه که طفل سینه مادر را می مکد معادل ثواب آزاد کردن یک برده از اولاد حضرت اسماعیل در نامه عمل زن شیرده نوشته می شود، و چون از شیر دادن فارغ شود فرشته ای کریم بر پهلوی زن می زند و می گوید: عملت را از سر بگیر، که آمرزیده شده ای!! مادران لازم است به نکته ای که در شیر دادن، امام صادق(ع) به آن توجه داده اند عنایت کنند حضرت به زنی به نام ام اسحاق فرمودند: ((لاترضعیه من شدی واحد وارضعیه من کلیهما یکون احدهما طعاما و الآخر شرابا؛ از یک پستان شیر مده از هر دو پستان کودک را تغذیه کن، که یکی برای او غذا و دیگری به منزله نوشیدنی است!))

نامگذاری

گروهی تصور می کنند نامگذاری امری عادی و معمولی است، و به هر نامی که بخواهند مانعی ندارد کودک را نامگذاری کنند، ولی اینطور نیست، نامگذاری امری بسیار مهم و دارای اثر در مشاعر کودک و آینده اوست به همین خاطر باب مفصلی در روایات اختصاص به این معنا پیدا کرده.

امام هفتم(ع) فرمود: ((اول ما یر الرجل ولده ان یسمیه باسم حسن، ملیح حسن احدکم اسم ولده؛ او نیکی مرد نسبت به فرزندش این است که او را به نام نیک نامگذاری کند، بر هر کدام از شما لازم است برای فرزندش نام نیک انتخاب کند.

رسول حق(ص) فرمود: ((نام های خود را نیکو انتخاب کنید، که روز قیامت به همان نام ها خوانده می شوید))

راوی می گوید خدمت حضرت صادق(ع) رسیدم کنار گهواره موسی بن جعفر(ع) بود نشستم تا حضرت از برخوردش با کودک فارغ شد مرا خواست به حضرت سلام کرد جواب داد سپس سر من فریاد کشید و فرمود: الان برو و نامی که برای فرزندت دیروز انتخاب کردی عوض کن. همانا اسمی است که حضرت حق آن را دشمن دارد واقعیتی بود برای من دختری نتولد شده بود که نامش را حمیرا گذارده بودم به دستور حضرت برگشتم و نام او را تغییر دادم.

حضرت صادق(ع) از پدرانش روایت می کند: ((ان رسول الله کان یغیر الاسماء القبیحه فی الرجال و البلدان؛ همانا رسول خدا اسماء زشت انسان ها و شهر هارا تغییر می دادند.)) حضرت باقر(ع) فرمودند: ((اصدق الاسماء ماسمی بالعبودیه و افضلها

السماء الانبیاء؛ صادق ترین نام ها نام هائی است که بوی بندگی حق دارد و برترین نام ها برای فرزندان شمانام انبیاء است))

حضرت موسی بن جعفر(ع) فرمودند: ((لایدخل الفقربیتا فیه اسم محمد او احمد او علی او الحسن او الحسین او جعفر او طالب او عبدالله او فاطمه من النساء؛ در خانه ای که نام پسران محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب و عبدالله و نام دختران فاطمه باشد، فقر داخل نمی گردد))

نقش والدین در عاقبت به خیری فرزندان در آیات و روایات.

از آیات سوره مبارکه آل عمران، آیات ۳۳ تا ۳۷ و آیه ۲۸ سوره مبارکه مریم استفاده می شود که رشد و کمال انسان بستگی به ارتباط او با چهار واقعیت دارد. پدر با ایمان، مادر مومنه، معلم پاک و دلسوز غذای حلال. یهودیان وقتی مسیح را در دامن مریم دیدند مریمی که دختر بود وشوهر نداشت، با تعجب به او گفتند: ((يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأًا سَوْءًا وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا (۲۸)؛ ای خواهر هارون تو را نه پدری ناصالح و نه مادری بد کار بود!))

آنان که خبر از حقیقت مسئله نداشتند، که مسیح کلمه خدا است که به مریم پاک و باکرامت القا شده است، تصور می کردند در این برنامه خلاف شرعی واقع شده، با شناختی که از پدر مریم داشتند که مردی مومن، باوقار مودب به آداب حق بزرگوار و با کرامت است، و مادر او که زنی پاکدامن، مومنه، باعفت و عصمت، گمان این معنی نمی رفت که با چنان پدری و آن مادر بزرگواری، فرزند او دست به آلودگی بزند، این مسئله برای مردم ثابت بود، که فرزند انعکاسی از روحيات و خلیقات و حقایق وجودی پدر و مادر است، تا وقتی به وسیله سخن گفتن مسیح در گهواره روشن شد، که از آن پدر و مادر باید چنین فرزند شایسته ای با این مقامات عالی، که مادر پیامبر اولوالعزم شود بوجود بیاید. ملاحظه کردید توقع پاکي را از مریم در درجه نخست به خاطر پاکي پدر او داشتند، به همین جهت به او گفتند: ((ماکان ابوک امراسوء: پدرت مرد ناصالحی نبود تا عمل خلاف صلاح و سداد از تو صادر شود)) مسئله مادر هم که از ویژگی خاصی برخوردار است مورد نظر آنان بود، به همین علت به او گفتند: ((وما کانت امک بغیا؛ مادرت را می شناسیم زنی است باعفت اصیل تربیت شده با وجود بستگی تو به آن مادر توقع خطا از تو نمی رفت))

پدر در درجه اول باید به تربیت دینی، و اخلاق و دانش اندوزی فرزند توجه کند، و در مرحله دیگر با همسرش آنچه زودگی کند، که شیرینی حیات را در کام فرزندان تلخ نکند، و در جهت دیگر با تمام وجود مواظب باشد، که لقمه ای از حرام سرسفره اهل بیت (ع) و فرزندان نبیرد. در روایات اهل بیت آمده چند طایفه بی حساب وارد عذاب می شوند یکی از آن ها پدرانی هستند که به ترتیب دینی و اخلاقی فرزندانشان توجه نداشتند. خداوند متعال تمام انسان ها را برای رسیدن به مقام خلافت از خدا هدایت دانش بصیرت و نهایتا ورود به بهشت خلق فرموده این خود مردم هستند که بادست خود زمینه عذاب خود را فراهم می کنند. کلمه ام که در قرآن و روایات به طور فراوان ذکر شده، به معنای ریشه و سرچشمه است. به خاطر این که کودک حداقل شش ماه و حداکثر نه ماه در رحم زن است، و با تمام قوا جسم و روح خود را از مایه های وجود زن می گیرد، و به طور دائم از کارگاه جسم و اعصاب و جان زن تغذیه می کند، از وجود او نسبت به کودک تعبیر به ام شده است.

در حقیقت مادر اصل ریشه و سرچشمه وجود کودک انعکاسی از واقعیات جسمی و روحی مادر و میوه ای از آن شجره مبارکه است. مدت اقامه نطفه در صلب پدر بسیار اندک ولی در رحم مادر نزدیک به دو بیست و هفتاد روز مهمان است. روی این حساب تمام یا اغلب گیرندگی و اثر پذیری او از مادر است، و به همین علت حسابی که اسلام برای مادر باز کرده برای غیر او باز نکرده است. آثار وجودی مادر از جسم و روان، در وجود کودک ظهور می کند، و طفل در اکثر اطوار و برنامه های حیاتش خود آگاه برطنیت مادر می طند. دختر قبل از این که ازدواج کند باید توجه داشته باشد، یا به او توجه بدهد که مادر فرد است و مادر فردا باید از امروز در غذا، رفت و آمد، معاشرت، برخورد تربیت ادب و ایمان دقت کند، تا موجد و مولد نسلی پاک سالم باارزش و مودب به آداب باشد. این جمله زیبا را که از امپراطور فرانسه ناپلئون نقل می کنند در کتابی در رابطه با زن که از او پرسیدند کدام مملکت در نزد تو ارزشش از همه ممالک بالاتر است؟ گفت کشوری که تعداد مادرانشان بیشتر باشد! حیثیت مادر بودن باید برای زن ثابت و پا برجا بماند و گرنه نسل خوبی بوجود نخواهد آمد. مادر در فرهنگ اسلام باید مادر بودن خود را برای تربیت و رشد فرزندان حفظ کند.

مادر باید برای فرزندان مادری کند تا فرزندان از نظر فکری و عاطفی کمبود پیدا نکنند. زن اگر خصوصیات مادری را از دست بدهد و خود را در عرصه گاه آزادی به معنای غربی بیندازد، و باهرکس و ناکسی بگوید و بخندد و بنشیند و رفت و آمد کند، به

خود و به شوهر و به فرزند به خاطر لذائذ جسمی مادی بی اعتنا باشد، مادر نیست، درنده ای است که به جان خانواده افتاده، و گرگ خطرناکی است که شرف و کرامت و عفت و پاکی خانواده را به باد خواهد داد. مادر برای تحویل دادن فرزندی وزین مودب پاک باصلابت فرمند باید دارای وجود پاک و فکری سالم و اخلاقی انسانی باشد. ((اشهد انک کنت نورا فی الا صلاب الشافحه والارحام المطهره))

قطعه ای از زیادت وارث است خطاب به سرور شهیدان: همانا در اصلاص شامخه و ارحام مطهره نور بودی نوری که از مقامی شامخ و جایگاهی پاک طلوع کرد و جهانی را به نور علم و حکمت و رهبری صحیح روشن و پس از شهادت آخرت را روشن تر نمود. در همان زیارت وجود مقدس او را به عنوان خدیجه کبری و فاطمه زهرا(س) می خوانیم؛ ((السلام علیک یا بن فاطمه الزهراء السلام علیک یا بن خدیجه الکبری)).

اینکه رسول خدا(ص) به جوانانی که قصد ازدواج دارند سفارش می کند دختر از خانواده ای اصیل متین و دیندار بگیریید به خاطر این است که جلوی فساد نسل گرفته شود. دختری که اصالت خانوادگی از دست داده جلف و سبک بی ادب و بی تربیت بی وقار و بی نظم و از همه بدتر شهوت ران و بی حجاب و بد حجاب و هر ساعت بایک دوست پسر بسر می برد، قابلیت ازدواج ندارد او هدف حق را از آفرینش و خلقتش زیر پا گذاشته شئون زن بودن و مادر بودن را از کف داده، لیاقت بوجود آوردن فرزند صالح و شایسته را ندارد که رسول حق(ص) در روایتی در باره اینان فرمود: اگر ان ها در آخر الزمان مارو عقرب بزایندهتر از این است که فرزند بزاینده چرا که در کارگاه فکر و روح و روان خود به خاطر لذت طلبی ایجاد اختلال کرده و این کارگاه مختل از ساختن انسان سالم عاجز است. این معنا را از زبان نوح پیغمبر بشنوید: ((و قال نوح رب لاتذر علی الارض من الکافرین دیارا انک ان تذرهم یضلوا عبادک ولایلدو الا فاجرا کفارا؛ خداوند از این ناسپاسان و این مرد و زنی که دست از عناد و لجبازی بر نمی دارد احدی را در روی زمین باقی مگذار. همانا اگر از این ملت کسی را باقی بگذاری بندگان را گمراه می کنند و از اینان فرزندی جز بدکار و ناسپاس بوجود نمی آید.)) اگر در میان قوم نوح مادر فراوان بود اگر زن با ایمان و سپاسگزار و پاک و باادب زیاد بود نهی فرمود از اینان جز ماجر کافر بوجود نمی آید.

آری اگر دختر و زن بفرموده رسول خدا(ص) خضراء من باشد یعنی گیاه روئیده شده روی مزبله از این گیاه نمی توان توقع بوجود آمدن میوه شیرین و محصول الهی و انسانی داشت مادر نباید در هر مجلس گرچه مربوط به اقوام باشد شرکت کند، زیرا پاره ای از مجالس مجلس معصیت است و در روحیه مادر اثر می گذارد و چه بسا که هویت مادر بودن را از او بگیرد مادر نباید به هر شکلی که میل و طبعش اقتضا می کند از مواد خوراکی استفاده کند چه بسا که غذا از منبع حلالی تهیه نشده و از نظر آثار برای او و فرزندش زیان داشته باشد. امیرالمومنین(ع) گریه می کند. پس از این که در معرکه جنگ جمل جنگ به نفع امیرالمومنین تمام شد، و آتش برنامه سرد گشت حضرت به میان کشتگان دشمن آمد و با دیدن آنان زارزار گریست! کاری که از هیچ نظامی پیروزی در تاریخ بشر سابقه ندارد علت گریه حضرت را پرسیدند فرمود: اینان که اسلام را پذیرفتند اهل نماز و روزه و عبادت بودند باید به بهشت می رفتند دلم از این می سوزد که برخلاف حق به جنگ با امام معصوم(ع) برخاستند و به پیروی از هوای نفس خود را دچار عذاب ابد کردند.

نتیجه گیری

با بررسی یافته های این پژوهش می توان چنین نتیجه گرفت که بسیاری از روش های تربیتی که امروزه در خانواده ها و جوامع به کار گرفته می شود و تاثیر مطلوبی ندارد ناشی از این موضوع است که افراد از دستورات و برنامه های دین اسلام مغفول مانده اند. بر خلاف تصور عموم، اسلام بر اساس اصل جامعیت برای انسان در تمام زمینه ها اعم از جسمانی و روحانی دارای برنامه است. یکی از این برنامه ها نقش والدین در عاقبت بخیری فرزندان خویش می باشد، با این هدف که انسان در مسیر کمال حرکت کند.

دین اسلام به عنوان کامل ترین دین الهی به امر تربیت توجه زیادی کرده و اهمیت بسیاری برای آن قائل است. از آن جا که برنامه های این دین کاملاً مطابق فطرت آدمی است، در نتیجه موثر عمل می کند. علاوه براین به عوامل موثر در تربیت یا همان عاقبت بخیری که زمینه های شکل گیری شخصیت انسان را فراهم می کند می پردازد. عموم افراد تربیت را محدود به زمان دوره کودکی می دانند، اما با وجود تلاش های فراوان در این زمینه از قبیل فراهم کردن امکانات مادی، مراقبت های ویژه ای و توجه به آموزش نواقصی در شیوه تربیت آن ها وجود دارد که هیچ گاه به علت آن ها پی نمی برند. گاهی نیز از حیث جسمانی نواقصی وجود دارد که همواره از عوامل آن غافل هستند و آن حاصل توجه نکردن به مراقبت های زناشویی مانند بهداشت مکان و زمان آمیزش و می باشد. مشکلات فرزندان تنها از حیث جسمانی نبوده، بلکه از حیث روانی و روحانی هم مشکل دارند. آن بچه ای که هیچ گونه مشکل جسمانی و روحانی ندارد و در سیر زندگی خویش اعمالی انجام می دهد که عاقبت به شر لقب می گیرد، شاید ریشه در نهان وی و در زمان زناشویی والدین وی داشته باشد. پس بطور خلاصه نتیجه می گیریم که هر چقدر والدین من جمیع جهات رعایت کنند منفعت آن را هم خودشان می برند و هم در عاقبت به خیری فرزندان آنها تاثیر دارد.

منابع

- قرآن، چاپخانه بزرگ قم.
- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه.
- الحرالعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، موسسه آل بیت، الاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۲ ه.ق.
- انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، انتشارات ام ابیها-قم، بهار ۱۳۹۴ ه.ش.
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، مع تعلیقات هاشم الرسولی المحلاتی، ۵ ج، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۰.
- دن فونشل، ترجمه (مسعود حاجی زاده)، کلید های رفتار با نوجوانان، تهران، ۱۳۸۲.
- راهنمای مادر، چاپ دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ۱۳۷۹.
- رهبر، محمد تقی، اخلاق و تربیت اسلامی، انتشارات موسسه امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۹.
- زارع، غلامعلی، محمد رضا قنبری، مقاله ارزش ها و شیوه های شکوفا سازی آن ها، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
- فرهادیان، رضا، بررسی عوامل موثر بر درونی کردن ارزش های اسلامی، انتشارات موسسه امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۹۰.
- قائمی، علی، پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، انتشارات امیری، قم، ۱۳۸۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول فی الکافی، تصحیح الشیخ نجم الدین الاملی، ۲ ج، تهران، المكتبة الاسلامیه، ۱۳۹۱.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ذیل ماده نذر، ۲ ج، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ ه.ق.
- طبرسی، مکارم الاخلاق، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه الدر داخبار الاثمه الاطهار، موسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق.
- مظلومی، رجبعلی، درآمدی بر نظام تربیتی کودک، انتشارات موسسه امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۹۰ ه.ش.
- مجلسی، محمد باقر، حلیه المتقین، انتشارات امام عصر (عج)، قم، ۱۳۸۸.
- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۷۳.
- مهدی پور علی منفرد، محمد، روش تربیت دینی نسل جوان و نوجوان، ۱ ج، انتشارات ام ابیها، قم، ۱۳۸۳ ه.ش.
- نجاری الجعفی، محمد بن اسماعیل، صحیح نجاری، ۸ ج، بیروت، دارالفکر، (بی تا)
- نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل، موسسه ی آل البیت (ع)، قم، ۱۴۰۸ ق.
- نهج البلاغه، ترجمه مرحوم دشتی، انتشارات نسیم کوثر، قم.